

## مقدمه

«اخلاق» و «عرفان» همانند دو بال است که انسان می‌تواند به وسیله آنها پرواز کند و خود را به اوج قله‌های کمال و سعادت برساند. اخلاق مقدمه و نردبان صعود به پله عرفان است. در اهمیت اخلاق، همین بس که رسول خدا ﷺ هدف از بعثت خود را اکمال مکارم اخلاق برشمردند (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۵۹۸). گستردگی فضایل اخلاقی، جوارح و جوانح انسان را برای ورود به درجه عرفان آماده می‌سازد.

در طول تاریخ اسلامی، کسانی بوده‌اند که خود را وقف کسب فضایل اخلاقی نموده و دامن خود را از آلودگی به رذایل پاک نگه داشته‌اند. اینان همزمان با اصلاح روابط اجتماعی و تعامل با هموعان، رابطه خود با خالق را نیز به گونه‌ای تنظیم کرده‌اند که در زمره بندگان خوب خداوند قرار بگیرند. اینان خود را به دو سلاح کارگشا، یعنی «اخلاق» و «عرفان» مجهز کرده‌اند.

شیخ اکبر، ابن عربی، علاوه بر اینکه خود مدارج عالیة عرفان و اخلاق را طی کرد، در زمینه نشر معارف عرفانی و اخلاقی نیز تلاش‌های فراوان نمود و با بیان راه‌کارها و توصیه‌ها، مسیر صحیح را برای طالبان حقیقت معرفی کرد.

از جمله مباحثی که وی مطرح ساخته «وظیفه‌م‌تربیی پیش از رسیدن به محضر استاد» است. در این مباحث، او مرید را از حیرت و سردرگمی نجات می‌دهد و تا زمان پیدا کردن استاد، او را از دسیسه‌های شیطان و انحرافات نفس در امان نگه می‌دارد. به سبب جایگاه ممتاز ابن عربی در عرفان و اخلاق، این مقاله تلاش دارد موضوعات مرتبط با وظایف‌م‌تربیی پیش از رسیدن به محضر استاد را از دیدگاه وی تبیین نماید.

ابن عربی در کتاب *التدبیرات الالهیه* (۱۴۲۴ق، ص ۱۱۰) به سه نمونه از وظایف مرید اشاره کرده و در کتاب *فتوحات مکیه* (بی‌تا، ج ۱، ص ۲۷۷) به نه دستورالعمل اشاره دارد. این مقاله دستورالعمل‌های وی را در قالب سه گفتار، با عناوین «وظایف مرید در رابطه با خالق» و «وظایف مرید در رابطه با خود»، «وظایف مرید در رابطه با دیگران»، ارائه می‌دهد:

## گفتار اول: وظایف مرید در رابطه با خالق

تعدادی از دستورالعمل‌های ابن عربی به «رابطه عبد با خالق» مربوط می‌شود؛ مانند توبه، طهارت و نماز تفصیل این سه وظیفه را در ادامه ملاحظه می‌کنیم:

## وظایف‌م‌تربیی در رابطه با خالق

علیجان حسنی / کارشناس ارشد تربیت مربی اخلاق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

Mozaffari48@Yahoo.com

حسین مظفری / استادیار گروه عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۳/۵/۲۷ - پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۹

## چکیده

ابن عربی برای سالک، پیش از دریافت استاد، وظایفی را در رابطه با خالق و در رابطه با خود و در رابطه با خلق ذکر کرده است. وی در بخش اول، به نکاتی همچون توبه، طهارت، نماز، توکل و یقین اشاره نموده، و در رابطه با وظایفی که مربوط به شخص است، بر دستورالعمل‌هایی همچون صمت، جوع، سهر، صبر و عزیمت تأکید کرده و در نهایت، وظایف مرید را نسبت به خلق الله، عزلت و صدق دانسته است.

کلیدواژه‌ها: مرتبّی، ابن عربی، استاد، اخلاق، عرفان.

## ۱. توبه

وی اولین وظیفه تربیتی پیش از یافتن استاد را «توبه» می‌داند؛ زیرا توبه ناخالصی‌ها را از روح و جسم سالک می‌زداید و جان او را برای پذیرش انوار الهی آماده می‌سازد. او در توضیح این دستورات عملی، به جزئیات توبه اشاره کرده، راه‌کارهای عملی آن را بیان می‌کند. در این قسمت، ابتدا اهمیت توبه و سپس راه‌کارهای عملی آن را طبق دیدگاه وی بررسی می‌کنیم:

**الف. اهمیت توبه:** توبه مبدأ حصول مراتب علیه و مقامات سنیّه است که موجب تقرب عبد به معبود می‌گردد و او را مستعد حضور در حضرت قدس می‌گرداند. بدین‌روی، در آیات و روایات بر آن تأکید شده است. ابن‌عربی نیز آن را اولین وظیفه سالک پیش از دریافت استاد می‌داند. وی می‌نویسد: «و اختلف اصحابنا ما اول منزل من منازل السالکین؟ فقال بعضهم: اليقظة، و قال بعضهم: الانتباه، و قال بعضهم: التوبة» (ابن‌عربی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۴۳).

وی معتقد است: «تواب» نام خداوند است و خداوند اسم و صفت خود را دوست دارد. او می‌نویسد: «تواب» از اسما و صفات خداست. او دوست ندارد، مگر اسم و صفت خود را، و دوست دارد بنده را به خاطر انصاف او به اسم و صفت الهی. او در صورتی عبد را دوست دارد که توبه‌اش منطبق با روش الهی باشد (ابن‌عربی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۱).

ابن‌عربی با اشاره به مخفی بودن توابعین در میان مردم، در پاسخ به این پرسش که چرا خداوند تواب را برای مردم معرفی نمی‌کند تا دیگران از آمرزش خطاهای او مطلع گردند، می‌نویسد: تواب، در میان مردم نامعلوم است؟ زیرا محبوب خداوند است. خداوند محبوب خود را از چشم مردم مخفی نگه می‌دارد؛ زیرا اگر او را بشناسند و از حقیقت او مطلع شوند، او را دوست می‌دارند (ابن‌عربی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۲).

**ب. راه‌کارهای عملی توبه:** ابن‌عربی پس از آنکه اولین وظیفه مرید را پیش از پیدا کردن شیخ، توبه می‌داند، راه‌کارهای عملی توبه را نیز بیان می‌کند. او در این زمینه به ردّ مظالم، ارضای خصوم و بکاء علی مافات اشاره کرده، به سالک توصیه می‌کند توبه را تا تحصیل یقین ادامه دهد. در این قسمت، به تعدادی از راه‌کارهای عملی توبه، که سفارش شیخ اکبر است، اشاره می‌شود:

**یک. ردّ مظالم:** کسی که می‌خواهد روح و جان خود را با آب توبه شست‌وشو دهد یکی از وظایفش او این است که نسبت به مظالم عباد توجه ویژه داشته باشد. در صورتی که حقی از

دیگران به گردن اوست و می‌تواند آن را به صاحبش برگرداند یا رضایت او را جلب نماید ولی به آن بی‌توجه باشد، توبه‌اش بی‌معنا خواهد بود.

ابن‌عربی یکی از آثار مظالم عباد را تاریکی روز قیامت برای مدیون می‌داند و به مرید توصیه می‌کند که اگر می‌خواهی روز حساب، در ظلمات نباشی مظالم عباد را به آنان برگردان. او می‌نویسد: «إياكم و مظالم العباد؛ فإنّ الظلم ظلمات يوم القيامة. و ظلم العباد أن تمنعهم حقوقهم التي أوجب الله عليك أداءها إليهم» (ابن‌عربی، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۵۲).

ابن‌عربی، یکی دیگر از آثار مظالم عباد را حساب‌های شدید در روز قیامت می‌داند و با توجه به مراحل و مقدمات ورود به بهشت می‌نویسد: «... فيسأل عن المظالم فإن كان لم يظلم أحداً جاز إلى الجنة» (ابن‌عربی، بی‌تا، ج ۱ ص ۳۱۱).

**دو. ارضای خصوم:** یکی دیگر از لوازم توبه، «ارضای خصوم» است؛ به این معنا که مرید برای اینکه توبه‌اش کامل و مقبول باشد باید از دیگران حلالیت بطلبد. ارضای خصوم حجاب معصیت را رفع می‌کند و سالک را به مقام توابعین می‌رساند. فتح باب برای مرید، متوقف بر ارضای خصوم است. ارضای خصوم نردبان ترقی سالک است، تا جایی که در تفسیر «لا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ» (الرحمن: ۳۳) گفته شده است: «الا بشهادة ان لا اله الا الله و ارضاء الخصوم و بغفو من الله عز و جل» (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۴۱۵).

ابن‌عربی معتقد است: خداوند برای هر بیماری معنوی، دوايي معين فرموده است. او معاصی را نوعی بیماری معرفی می‌کند و با اشاره به دواي آن می‌نویسد: دواي معاصی توبه است، و ارضای خصوم از شروط آن است، آن مقدار که که بر آن قادر است و شارع برای او معین نموده است (ابن‌عربی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۹۷).

**سه. گریه:** شیخ اکبر تائب را سفارش می‌کند بر «بکاء علی ما فات». طبق دیدگاه او، تا زمانی که مرید در جست‌وجوی استاد حاذق به سر می‌برد، باید از توبه، همراه با بکاء، برای قرب الی الله بهره ببرد.

گریه سالک، خود رتبه و الای توبه است که او به سبب دوران غفلت و رفتارهای ناشایستی که از او صادر شده و تأسف از فوت کمالات، در پیشگاه حضرت حق اظهار می‌نماید. گریه اثر محسوس توبه است و موجب اطمینان قلب می‌شود؛ زیرا توبه اثر ملموس دیگری ندارد و تائب نمی‌داند توبه او در چه مرتبه‌ای قرار دارد؟ آیا مقبول حق واقع می‌شود یاخیر؟ ولی اگر همراه با

گریه باشد مرید احساس می‌کند که توبه‌اش در مرتبه جدی قرار دارد؛ زیرا موجب شده است که اثر کوچک آن، که عبارت باشد از ریختن اشک ندامت، ظهور پیدا کرده است.

ابن عربی خوف از حق، تذلل، خشوع، اعتراف به تقصیر، و محبوبیت عند الرب، را از آثار گریه می‌داند و درباره ویژگی‌های پیامبران علیهم‌السلام می‌نویسد: «کانت أحوال الانبياء الرسل في الدنيا البكاء والنوح» (ابن عربی، بی تا، ج ۳، ص ۵۰).

## ۲. طهارت

دومین وظیفه مرید در رابطه با خالق از دیدگاه ابن‌عربی، دوام طهارت است. مقصود از «طهارت» در اینجا، هم طهارت ظاهری است و هم طهارت باطنی. همان‌گونه که سالک باید روح و جان خود را از منکرات و خبائث بزدايد، باید تلاش کند دائم‌الوضو نیز باشد. از آن‌رو که مرید هر لحظه خود را در محضر حضرت حق احساس می‌کند و انتظار کشف و شهود دارد، باید وجودش برای کسب کمالات، مهیا باشد.

همچنین باید تمام افعال و رفتار سالک همراه با ذکر الهی باشد. زبان و جوارح او دایم باید به یاد خداوند مشغول باشد. این مراقبات، طهارت دایم او را می‌طلبد. طهارت باطنی و ظاهری، علاقه انسان را برای عبادات افزایش می‌دهد و او را در جهت بهره‌برداری عبادی از فرصت‌ها، یاری می‌دهد.

ابن‌عربی طهارت باطنی را تقدیس و تنزیه نفس می‌داند و در رابطه با طهارت عبد می‌نویسد: طهارت بنده این است که هر ناشایستی را که در حق او شرعاً مذموم است و سزاوار نیست در آن دیده شود از نفس خود بزدايد، اگرچه ممکن است در حق غیر او ممدوح باشد (ابن‌عربی، بی تا، ج ۲، ص ۳۴۲).

شیخ اکبر نه تنها طهارت دایم را از ملازمات مرید می‌داند، بلکه اقامه دو رکعت نماز با هر طهارت را نیز توصیه می‌نماید. وی می‌نویسد: «از چیزهایی که برای تو لازم است جلوس بر طهارت دایم است. هر زمان که محدث شدی وضو بگیر، و هر زمان که وضو گرفتی دو رکعت نماز بخوان (ابن‌عربی، بی تا، ج ۱، ص ۵۲۷).

ابن‌عربی با اشاره به حدیث شریف نبوی، که وضو گرفتن کامل در هوای سرد را عامل ارتقای درجات می‌داند، می‌نویسد: «علیک یاسباغ الوضوء خاصة فی البرد» (ابن‌عربی، ۱۳۶۷، ص ۴).

## ۳. نماز

سومین وظیفه مرید پیش از رسیدن به محضر استاد، توجه به آداب نماز و عنایت به نمازهای مستحب است. نوافل پله‌های ترقی انسان هستند که او را به مقام قرب الهی نایل می‌کنند. از امتیازات نمازهای مستحبی این است که به زمان و مکان خاص محدود نیستند. از این‌رو، سالک می‌تواند در همه اوقات، از فیوضات آنها بهره ببرد. ثواب و فضیلت نمازهای مستحب و ترغیب روایی در رعایت آداب نماز، روشن‌تر از آن است که بنخواهیم درباره آن چیزی بنویسیم، به همین سبب، تنها به ذکر مطالبی از ابن‌عربی در این‌باره اکتفا می‌کنیم:

ابن‌عربی درباره آداب نماز می‌نویسد: در مصلائی خودت، مقابل پروردگارت بایست، بدون اینکه او را محدود کنی و او را به اشیا تشبیه نمایی. قلبت را به سمت او متوجه کن؛ همان‌گونه که صورتت را به سوی کعبه قرار می‌دهی، و تصور کن که در عالم غیر از تو و او کسی نیست (ابن‌عربی، ۱۴۲۴ق، ص ۲۳۲).

شیخ‌اکبر با توجه به حدیث قدسی (شعیری، بی تا، ص ۸۱)، که به فضیلت نوافل اشاره دارد، نوافل را از اسباب جلب محبت پروردگار و قرب الهی می‌داند و می‌نویسد: «و القریب فی النوافل» (ابن‌عربی، ۱۴۲۴، ص ۴۸۵).

## ۴. توکل

وظیفه بعدی مرید پیش از یافتن استاد، توکل به خداوند متعال در امور زندگی است. سالک باید با توکل، قلب خود را به صفات خدایسندانه متصف نماید و برای غلبه بر سختی‌ها و چاره‌جویی ناملايمات، از سلاح توکل بهره گیرد. توکل، هم پیش از دریافت استاد لازم است و هم پس از دریافت استاد. توکل در همه جا مفهومی واحد دارد، علت اینکه ابن‌عربی در این مرحله، بر آن تصریح دارد، اهمیت آن است.

ابن‌عربی توکل در جمیع امور ظاهری و باطنی را از ابزار کمال می‌داند و می‌نویسد: «من توکل تکمل» (قادری، ۱۴۲۷ق، ص ۴۴۶).

## ۵. یقین

از دیگر وظایف مرید پیش از یافتن شیخ، «یقین» است. معنای یقین در این مرحله آن است که

ابن عربی صمت را مقدمه اشتغال ذکر قلبی می‌داند و با اشاره به خطرات پرحرفی و لزوم صمت برای سالک می‌نویسد: کسی که صمت لسانی و قلبی داشته باشد، اسرار و تجلیات الهی بر او ظاهر می‌شود. کسی که تنها صمت قلبی داشته باشد. کلام او حکمت است. کسی که هیچ نوع صمتی نداشته باشد مسخر شیطان است (ابن عربی، ۱۳۷۶ق، ص ۴).

او صمت را به دو قسم «لسانی» و «قلبی» تقسیم می‌کند. سپس صمت لسانی را به معنای بازداشتن لسان از کلام غیرخدایی می‌داند و می‌نویسد: کسی که در جمیع احوال، ملتزم صمت باشد همیشه با پروردگارش حدیث می‌کند (همان).

## ۲. جوع

یکی دیگر از وظایف مرید، که ابن عربی آن را در ردیف اعمال چهارگانه ظاهری قرار داده، جوع است. مقصود از «جوع»، گرسنگی مشروع است که از فضول طبع می‌کاهد، اما به بدن زیان نمی‌رساند. این جوع با خوردن غذا به مقدار لازم، که وسیله صلاح مزاج و قوام بنیه آن است، منافات ندارد. جوع از ریاضت‌های جسمانی است که به رابطه سالک با خودش مربوط می‌شود.

با توجه به اهمیت جوع، ابن عربی وجود استاد را برای کمال و اثرگذاری آن ضروری می‌داند، ولی برای کسی که هنوز به دریافت استاد موفق نشده است نیز دستورالعمل خفیف ارائه می‌دهد و می‌نویسد: تنها به مقداری که توانایی اقامه نماز واجب را داشته باشد، غذا بخورد (ابن عربی، بی تا، ج ۱ ص ۲۷۷).

شیخ اکبر یکی از آثار جوع را حساب آسان در روز قیامت می‌داند و در رابطه با آثار مذموم شبع می‌نویسد: «بقدر فضول الأكل، و الشراب یكون المكث فی طول الحساب» (قادری، ۱۴۲۷ق، ص ۳۷۱). وی جوع را از ویژگی‌های طالبان کمال برمی‌شمارد و در مقابل، شبع را صفت حیوان می‌داند، و درباره عوامل ظهور لطایف نهفته در نهاد انسان می‌نویسد: «من ترك أكل الحيوان شاهد لطائف الإنسان..» (همان).

او پرخوری را موجب کسالت و از بین رفتن زیرکی می‌داند و ضمن توصیه مرید به «أكل به قدر حاجت»، درباره آداب آن می‌نویسد: بر تو باد دوری از پرخوری؛ زیرا زیرکی تو را از بین می‌برد. غذا را برای زنده ماندن، و زندگی را برای عبادت بخواه و زندگی را برای خوردن و خوردن را برای چاق شدن مطلب.

عبادات و اعمالی را که انجام می‌دهد با شک و تردید نباشد، بلکه درباره آنها مطالعه و تحقیق کامل انجام دهد تا با اطمینان، به انجام آنها مشغول گردد؛ مثلاً، به ضرورت شیخ - که در پی یافتن اوست - یقین داشته باشد.

یقین دارای درجات متعددی است که بین ابتدا و انتهای آن فاصله زیاد است. اولین مقام یقین، که به عوام و اصغر و مرید اختصاص دارد، «الثقة بما فی ید الله تعالی و الیأس مما فی أیدی الناس» (العجم، ۱۹۹۹، ص ۱۲۱) و بالاترین درجه آن، «حق یقین» است که در آن تجلیات صفاتی و ذاتی برای سالک رخ می‌دهد (کاشانی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۷۲۳). از آثار یقین، راضی بودن به مقدرات و مقسمات الهی است.

ابن عربی یقین را مایه آرامش افراد مضطرب می‌داند و با اشاره به آیه شریفه «حتى یأتیک الیقین» (حجر: ۹۹)، به دست آوردن یقین را صعب، و همه دوست‌داران کمال را در پی کسب آن می‌داند و می‌نویسد: «فیکون الیقین هو الذی یسأل و یتعب...» (ابن عربی، بی تا، ج ۲، ص ۲۰۶).

## گفتار دوم: وظایف متربی در رابطه با خود

ابن عربی برای مریدی که در پی جست‌وجوی استاد است، توصیه می‌کند نفس خود را به کسب فضایی همچون صمت، جوع، سهر، صبر و عزیمت و ادار سازد تا پس از دریافت استاد و استماع ارشادات او، انجام دادن آنها برایش سهل باشد.

در این گفتار، تفصیل دستورالعمل‌های پنج‌گانه شیخ اکبر را، که به «رابطه او با خود» مربوط می‌شود، مرور می‌کنیم:

### ۱. صمت

ابن عربی یکی از وظایف مرید را پیش از دریافت شیخ، «صمت» می‌داند. ایشان مقصود از «صمت» را در این مرحله، این‌گونه بیان می‌کند: «أعنی بالصمت ترک کلام الناس و الاشتغال بذكر القلب و نطق النفس عن نطق اللسان إلا فیما أوجب الله علیه...» (ابن عربی، بی تا، ج ۲، ص ۲۰۶).

مقصود من از «صمت»، ترک سخن با مردم، و اشتغال به ذکر قلبی، و نطق نفسی به جای نطق لسانی است، مگر در مواردی که نطق لسانی واجب باشد (ابن عربی، بی تا، ج ۲، ص ۲۰۶).

## ۳. سهر

یکی دیگر از وظایف مرید پیش از دریافت شیخ، «سهر» و شب زنده‌داری است. سهر قلب را مصفاً و منور می‌گرداند تا جمال حق در آن بتابد. سحرخیزی سالک را به مقامی می‌رساند که رفعت درجات آخرت و حقارت دنیا را با چشم دل مشاهده می‌کند.

ابن عربی سهر را زائیدهٔ جوع می‌داند و ضمن اشاره به نقش رطوبت و نوشیدن آب در افزایش خواب، فایده سهر را این‌گونه بیان می‌نماید: فایده سهر، بیداری از غفلت و اشتغال به خداوند است؛ چیزی که او همیشه دنبال آن است. کسی که خواب است به عالم دیگر منتقل می‌شود و بر اعمال خیر او چیزی افزوده نمی‌شود، و از او خیری کثیر فوت می‌گردد که تنها در حال سهر می‌تواند آن را درک کند (قادری، ۱۶۲۷، ص ۲۸۸).

ابن عربی سهر را کم‌خوابی شب و روز می‌داند و با اشاره به آداب خواب ضروری برای سالک، می‌نویسد: اگر خوابید، مثل حالت عادی نخواهد که فرش پهن کند و متکا بیندازد و خود را با لحاف بپوشاند و بر تخت دراز بکشد! (قادری، ۱۴۲۷ق، ص ۲۸۸).

او «مراقبت دایم» را، که مقامی از مقامات اولیاست، در سهر دایم می‌داند و با اشاره به آثار آن برای سالک می‌نویسد: اگر به مراقبت دایم ملتزم باشد، آثار سحرخیزی به قلب او سرایت می‌کند و چشم بصیرت او روشن می‌شود و مقامات و خیراتی را می‌بیند که فقط خدا می‌داند (همان).

## ۴. صبر

یکی دیگر از وظایف سالک در رابطه با خودش این است که تا زمانی که استاد حاذق نیافته است، خود را به زیور صبر ملبّس نماید. مقصود از صبر، صبر بر طاعت و صبر بر معصیت است.

صبر در این مرحله، تکیه‌گاه توانمندی است که مرید را در مقابله با وسوسه‌های شیطان و نفس اماره یاری می‌کند. جا دارد مرید آلام بلوی را به جان بخرد و از شکایت به غیر خدا دربارهٔ آن اجتناب کند و از گره‌گشایی صبر استفاده نماید.

شیخ اکبر صبر بر طاعت را به معنای شکایت نکردن به غیر خداوند می‌داند و با اشاره به تفکر در آسرار صبر می‌نویسد: صبر بازداشتن نفس است از شکایت به غیر و پناه بردن به او. در سرّ این صبر، دقت کن که او از نیکوترین اسرار است (ابن عربی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۶).

ابن عربی ضمن سفارش به صبر، دربارهٔ آثار صبر بر نماز می‌نویسد: «الصبر علی الصلاة مؤثر فی الذکر و الشکر» (ابن عربی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۶).

## ۵. عزیمت

پنجمین وظیفهٔ مرید در رابطه با خود، که ابن عربی آن را از وظایف باطنی مرید می‌داند، عزیمت است. عزیمت اولین قدم در وادی سیر الی الله بوده و بر سالک لازم است که در این مرحله، بر حدود شریعت، سلوک طریق فضیلت و ترک رذیلت ثبات قدم داشته باشد. عزیمت به معنای تصمیم و ارادهٔ جدی و مداومت بر آداب سیر و سلوک است. سالک باید با پروردگار خود عهد و میثاق ناگسستنی ببندد که در همهٔ احوال، مطیع اوامر و نواهی او باشد.

در کتاب *التعریفات*، با استفاده از آیه کریمه «لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا» (طه: ۱۱۵)، «عزم» را این‌گونه معنا نموده است: «عزیمت» عبارت است از: ارادهٔ جدی، «و لم نجد له عزمًا»، یعنی: تصمیم جدی در انجام مأموریت از او مشاهده نکردیم (جرجانی، ۱۳۷۹، ص ۶۴).

ابن عربی عزیمت را یکی از امهات خیر می‌داند و می‌نویسد: طریقه سلوک در «عزیمت» جمع شده است. عزم داشته باش تا زمانی که شیخ را بیابی (ابن عربی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۷۷).

## گفتار سوم: وظایف مرتبی در رابطه با دیگران

نوع دیگر از وظایف مرید پیش از دریافت استاد، وظایفی است که او باید در رابطه با دیگران رعایت کند؛ مانند عزلت و صدق. «عزلت» به معنای دوری‌گزینی از جمع است که در رابطه با دیگران معنا پیدا می‌کند. همچنین صداقت و راست‌گویی نیز در مقایسه با افراد دیگر، قابل تصور است. البته در بعضی آثار، به عزلت از نفس نیز اشاره شده است.

در این قسمت، این دو وظیفهٔ مهم را مرور می‌کنیم، با ذکر این یادآوری که مقصود از عزلت، عزلت شرعی است.

## ۱. عزلت

«عزلت» نوعی ریاضت و مجاهدتی است که در آن باب معرفت الله برای سالک مفتوح می‌گردد و راه‌های نیل به مقصود و اتصال به قرب الهی، برای او عیان می‌گردد. عزلت - فی الجمله -

سیره انبیا و اولیا علیهم السلام بوده است؛ زیرا با مراجعه به حیات آن بزرگواران، نمونه‌ها و روش‌های گوناگون خلوت‌گزینی را مشاهده می‌کنیم.

عزلت بر اساس دیدگاه شیخ اکبر، یکی از اعمال ظاهری است که از مقامات ابدال و اساس معرفت اهل الله به‌شمار می‌آید. وی با اشاره به ضرورت عزلت می‌نویسد: باید نسبت به مردم، عزلت را انتخاب کنی، و خلوت را نسبت به حضور در جمع ترجیح دهی؛ زیرا همان اندازه که از مردم ظاهراً و باطناً دور باشی به خداوند نزدیک می‌گردی (ابن عربی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۷۰).

ابن عربی عزلت را رأس امور معتبر برای مرید می‌داند و می‌نویسد: یکی از معانی «عزلت» این است که مرید هر صفت مذموم و خُلق ناپسند را کنار بگذارد (ابن عربی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۷۷).

ابن عربی خلوت نفس با پروردگار را یکی از وظایف مرید می‌داند و می‌نویسد: هر که طالب پروردگار خویش است باید برنامه خلوت نفس با پروردگار داشته باشد؛ زیرا خداوند برای انسان، ظاهر و باطن قرار داده است تا در باطن، با خدا خلوت کند و در عالم ظاهر، او را در اسباب و مخلوقاتش مشاهده نماید. (ابن عربی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۶۴)

او «عزلت حسی» را انقطاع از خلق و مألوفات می‌داند و درباره آداب آن می‌نویسد: اگر در شهر است، طوری عمل کند که شناخته نشود. اگر در بیرون شهر است، سواحل و جبال و اماکن دور را انتخاب نماید (ابن عربی، بی‌تا، ج ۱ ص ۲۷۷).

وی بعد از خُلق را لازمه قرب خالق می‌داند و با اشاره به لزوم اشتغال مرید به ذکر خدا می‌نویسد: در خانه‌ات را به روی مردم ببند، و در اطاق را بر روی خانواده‌ات ببند. به ذکر خدا مشغول باش؛ زیرا به هر اندازه که از مردم دور باشی به خدا نزدیک می‌شوی (ابن عربی، ۱۳۶۷ق، ج ۱ ص ۶۰).

## ۲. صدق

دومین وظیفه مرید در رابطه با دیگران، پیش از یافتن استاد، «صدق» است. مفهوم «صدق» این است که ظاهر خود را همان‌گونه نمایش دهی که در باطن هستی. اقل صدق، تساوی رفتار سالک در عیان و نهان است. مقصود از «صدق» در اینجا، صدق قصد، صدق در عمل، و صدق در ادعاست. صداقت در اعمال و رفتار، نور اخلاص را در قلب سالک متجلی می‌گرداند. سالک باید هم با خدا صداقت داشته باشد و هم با خلق خدا.

ابن عربی صدق را شعار مرید می‌داند و با اشاره به آثار معنوی آن می‌نویسد: هرگاه مرید با

خدا صادق باشد، خداوند کسی را مقدر می‌سازد تا دست او را بگیرد... صدق بر هرچه که قرار داده شود ذات آن را تغییر می‌دهد (الغراب، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۴).

او صدق را مقدمه «صدیقیت» می‌داند و در وصف آن می‌نویسد: نور سبزی است بین دو نور که به واسطه آن، مشاهده می‌کند چیزی را که مخبر به واسطه نور کرم، از پشت حجاب غیب آورده است (ابن عربی، بی‌تا، ج ۲ ص ۹۲).

## نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد، چنین استنباط می‌شود که ابن عربی برای سالک، پیش از دریافت استاد، وظایفی در رابطه با خالق و در رابطه با خود و در رابطه با خلق، بیان می‌نماید. او در قسمت اول به اموری همچون توبه، طهارت، نماز، توکل و یقین اشاره می‌کند، و در رابطه با وظایفی که مربوط به شخص است بر دستورالعمل‌هایی همچون صمت، جوع، سهر، صبر و عزیمت را تأکید می‌کند و در نهایت، وظایف مرید را نسبت به خلق الله، عزلت و صدق می‌داند.

## منابع

- ابن عربی، محیی‌الدین، ۱۴۲۴ق، *التدبیرات الالهیه فی اصلاح مملکت الانسانیه*، طبع دوم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۶۷ق، *مجموعه رسائل*، بیروت، دار احیاء التراث.
- \_\_\_\_\_ بی تا، *الفتوحات المکیه*، بیروت، دار احیاء التراث.
- \_\_\_\_\_ ۱۴۲۱ق، *مجموعه رسائل ابن عربی*، بیروت، دارالمحججه البیضاء.
- جرجانی، سید شریف علی بن محمد، ۱۳۷۰، *التعریفات*، چاپ چهارم، تهران، ناصر خسرو.
- شعیری، محمدبن محمد، بی تا، *جامع الأخبار*، نجف، مطبعه حیدریه.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴ق، *الأمالی*، قم، دارالتقافه.
- العجم رفیق، ۱۹۹۹م، *موسوعه مصطلحات التصوف*، بیروت، مکتبه لبنان الناشرین.
- الغراب، محمود محمود، ۱۴۱۴ق، *الطریق الی الله الشیخ و المرید من کلام الشیخ الاکبر*، طبع دوم، دمشق، دار الکاتب العربی.
- قادری حسن بن موسی بن عبدالله، ۱۴۲۷ق، *شرح حکم الشیخ الاکبر*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- کاشانی، عبد الرزاق، ۱۴۲۶ق، *لطائف الأعلام فی إشارات أهل الإلهام*، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیه.
- مبیدی، ابوالفضل رشیدالدین، ۱۳۷۱، *کشف الأسرار و عده الأبرار*، طبع پنجم، تهران، امیرکبیر.